

بدایت و نہایت عرفان خواجوی

نمونہ شناسی عرفان خواجہ عبدا... انصاری

ایرج احمدی



سرشناسه : احمدی ، ایرج ، ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآور : بدایت و نهایت عرفان خواجوی : گونه شناسی عرفان خواجه عبدالله
انصاری / ایرج احمدی
مشخصات نشر : اصفهان : نشر دارخوین ، ۱۳۹۵
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۳۹۰-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه : ص . ۳۴۶-۳۴۴ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : انصاری ، عبدالله بن محمد ، ۳۹۶-۴۸۱ ق- نقد و تفسیر
موضوع : انصاری ، عبدالله بن محمد ، ۳۹۶-۴۸۱ ق- سرگذشتنامه
موضوع : انصاری ، عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع : Mysticism -- Early works to 20th century
رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ۳ الف ۸ / ۸ BP۲۷۸
رده بندی دیسی : ۳۹۷/۸۹۳۴
شماره ثبت کتاب ملی : ۴۳۶۲۷۵۵

عرفان خواجوی

ایرج احمدی

نشر دارخوین

مدیر تولید : محمدا احمدی

طرح جلد : مؤسسه ی مثالی

صفحه آرایشی : گروه فرهنگی - وا

چاپ اول : ۱۳۹۵

شمارگان : ۱۰۰۰

تلفن مرکز پخش : ۰۳۱۱۳۳۵۷۸۷۹ و ۰۹۱۶۷۳۰۰۶۳۸

ndarkhovain.ir



بسم اله الرحمن الرحیم

مطالعه و بررسی احوال عرفای اسلامی، مبین حدیث بندگی و دلدادگی محض به حضرت حق است. از نظر عرفای اسلامی، تصوف و عرفا، روح و حقیقت اسلام است که می توان به واسطه ی آن به معرفت حق نائل شد.

متصوفه برای شناخت حقیقت، شیوه های متعددی را برگزیده و بدان عمل کرده اند. گروهی از آنان، اساساً ذوق، کشف و معرفت را دست مایه ی تصوف خود می دانستند. این عده توجه ویژه ای به سماع و سکر داشته و علاقه مند به وجد و نشاط روحی بوده اند. برخی دیگر از عرفا، تصوف را در مکتب عبادت، مجاهدت، انزاص و دوری از جاه و جلال دنیوی، جست و جو کرده اند. عرفان این دسته عبادی زاهدانه است که از نظر آنان، عمده تاً راه وصول به معرفت حق، دوری از تعلقات دنیوی و عمل به تکالیف الهی و سنت است.

به منظور بررسی و گونه شناسی عرفان خواجه عبدا... انصاری، ابتدا عمده ی آثار مطرح خواجه، مورد مطالعه قرار گرفت، و از آن جایی که کتاب منازل السائرین، در اواخر عمر ایشان، بر شاگردانش املاء شده، و در برگیرنده ی آخرین و کامل ترین اندیشه های عرفانی وی می باشد، فلذا این

کتاب، مورد تحقیق قرار گرفته و به ویژه آن که به عقیده ی عموم پژوهشگران و محققان عرفان اسلامی، این کتاب به لحاظ تعلیم عرفان عملی، ناب ترین و جامع ترین نوشته ای است که در حوزه و اندیشه عرفان، پدید آمده است.

در این جستار، مراحل سیر و سلوک عرفانی مندرج در این کتاب، بدین نثرات محققین و عرفان پژوهان و همچنین دریافت های شخصی، مورد بررسی قرار گرفت.

در ابتدا، به طور مختصر، مطالبی در تعریف عرفان و تصوف و همچنین شرح حال و آثار خواجه عبدا...، نگاشته شده و در دامه ی آن، هریک از مقامات معنوی سواج، مورد بررسی قرار گرفته است.

تأکید خواجه نسبت به راتبی چون: توبه، ریاضت، زهد، ورع، خوف، اخلاص، تهذیب، توکل و ذر، توجه جدی به ظواهر شریعت و مراعات مفاهیم دینی در مراحل سیر و سلوک، همچنین استخراج تمامی مفاهیم عرفانی از بطن آیاتی که زینت بخش و آیه زجرهایک از ابواب کتاب منازل السائرین هستند، همگی مؤید عرفان زاهدانه، این خواجه عبدا... انصاری است.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

اسفندماه ۱۳۹۰

ایرج احمدی

فهرست

صفحه	عنوان
	مقدمه ای در باب عرفان و تصوف :
۱۵	شرح اصطلاحی عرفان و تصوف
۱۹	منابع و سرچشمه های تصوف اسلامی
۲۳	مراحل سیر و تکامل عرفان و تصوف اسلامی
	سؤالات و آثار خواجه عبدالله انصاری:
۲۶	زندگی نامه ی مرجه
۳۱	مذهب خواجه
۳۲	آثار خوجه
۳۳	منازل السانین مهم ترین اثر عرفانی خواجه
	مراحل سیر و سلوک عرفانی (با تکمیل منازل السانین) :
۳۴	مقامات خواجه
۳۵	۱- پدایات
۳۵	۱-۱ یقظه
۳۹	۲-۱ توبه
۴۵	۳-۱ محاسبه
۴۸	۴-۱ انابه

۵۱	۵-۱ تفکر
۵۵	۶-۱ تذکر
۵۷	۷-۱ اعتصام
۵۹	۸-۱ فار
۶۲	۹-۱ ریاضات
۶۵	۱۰-۱ سماع
۶۸	۲-۱ ابواب
۶۹	۱-۲ حزن
۷۱	۲-۲ خوف
۷۳	۳-۲ اشتقاق
۷۴	۴-۲ خشوع
۷۶	۵-۲ اخبات
۷۸	۶-۲ زهد
۸۰	۷-۲ ورع
۸۲	۸-۲ تبتل
۸۴	۹-۲ رجا
۸۶	۱۰-۲ رغبت
۸۸	۳- معاملات

۸۹.....	۱-۳ رعایت
۹۰.....	۲-۳ مراقبت
۹۲.....	۳-۳ حرمت
۹۴.....	۴-۳ اخلاص
۹۵.....	۱-۲ تہذیب
۹۸.....	۶-۳ استقامت
۹۹.....	۷-۳ توسل
۱۰۱.....	۸-۳ تفویض
۱۰۳.....	۹-۳ نفقہ
۱۰۵.....	۱۰-۳ تسلیم
۱۰۸.....	۴-اخلاق
۱۰۹.....	۱-۴ صبر
۱۱۱.....	۲-۴ رضا
۱۱۳.....	۳-۴ شکر
۱۱۴.....	۴-۴ حیا
۱۱۶.....	۵-۴ صدق
۱۱۸.....	۶-۴ ایثار
۱۲۰.....	۷-۴ خلق

۱۲۱.....	۸-۴ تواضع
۱۲۳.....	۹-۴ فتوت
۱۲۴.....	۱۰-۴ انبساط
۱۲۷.....	۵- اصول
۱۲۸.....	۵- فصاحت
۱۲۹.....	۵-۲ عزم
۱۳۱.....	۵-۳ ارادہ
۱۳۲.....	۵-۴ ادب
۱۳۴.....	۵-۵ یقین
۱۳۷.....	۵-۶ انس
۱۳۸.....	۵-۷ ذکر
۱۳۹.....	۵-۸ فقر
۱۴۱.....	۵-۹ غنا
۱۴۲.....	۵-۱۰ مراد
۱۴۵.....	۶- اودیہ
۱۴۵.....	۶-۱ احسان
۱۴۷.....	۶-۲ علم
۱۴۹.....	۶-۳ حکمت

۱۵۱.....	۶-۴ بصیرت
۱۵۳.....	۶-۵ فراست
۱۵۴.....	۶-۶ تعظیم
۱۵۶.....	۶-۷ الہام
۱۵۸.....	۶-۸ سکینہ
۱۶۰.....	۶-۹ طائیس
۱۶۲.....	۶-۱۰
۱۶۴.....	۷-۱ احوال
۱۶۴.....	۷-۱ محبت
۱۶۷.....	۷-۲ غیرت
۱۶۹.....	۷-۳ شوق
۱۷۱.....	۷-۴ قلق
۱۷۳.....	۷-۵ عطش
۱۷۴.....	۷-۶ وجد
۱۷۵.....	۷-۷ دہشت
۱۷۷.....	۷-۸ ہیمان
۱۷۹.....	۷-۹ برق
۱۸۱.....	۷-۱۰ ذوق

۱۸۲.....	۸- ولایات
۱۸۲.....	۸-۱ لحظ
۱۸۴.....	۸-۲ وقت
۱۸۶.....	۸-۳ صفا
۱۸۷.....	۸-۴ سرو
۱۸۹.....	۸-۵ سر
۱۹۱.....	۸-۶ نفس
۱۹۳.....	۸-۷ غربت
۱۹۴.....	۸-۸ غرق
۱۹۵.....	۸-۹ غیبت
۱۹۷.....	۸-۱۰ تمکن
۱۹۹.....	۹- حقایق
۱۹۹.....	۹-۱ مکاشفہ
۲۰۱.....	۹-۲ مشاہدہ
۲۰۱.....	۹-۳ معاینہ
۲۰۴.....	۹-۴ حیات
۲۰۵.....	۹-۵ قبض
۲۰۷.....	۹-۶ بسط

۲۰۹.....	۷-۹ سکر
۲۱۰.....	۸-۹ صحو
۲۱۲.....	۹-۹ اتصال
۲۱۴.....	۱۰-۹ انفصال
۲۱۶.....	۱۰-۱۰ ہایات
۲۱۵.....	۱۰-۱۰ مہ
۲۱۸.....	۱۰-۲ و
۲۲۰.....	۱۰-۳ بقا
۲۲۱.....	۱۰-۴ تحقیق
۲۲۲.....	۱۰-۵ تلیس
۲۲۵.....	۱۰-۶ وجود
۲۲۶.....	۱۰-۷ تجرید
۲۲۸.....	۱۰-۸ تفرید
۲۲۹.....	۱۰-۹ جمع
۲۳۲.....	۱۰-۱۰ توحید
۲۳۵.....	گونه شناسی عرفان خواجوی
۲۴۵.....	منابع و مأخذ

مقدمه ای در باب عرفان و تصوف

شرح اصطلاحی عرفان و تصوف

مطالعه و سیر در ادبیات عارفانه، تعاریف متعدد و گونه گونی از عرفان و تصوف به دست می آید. در هریک از این تعاریف، آشکار است که عرفا به فراخور حال خود به یک موقعیت مخاطب، در این باب سخن گفته اند. ویژگی هایی چون دوره های زمانی (دور عرفانی) و مقام معرفتی (منازل عرفانی)، در هر دوره ای موجب شده است تا از یک از عرفا و پژوهشگران عرفانی، در این مورد، بیانی متفاوت داشته باشد.

دکتر سید یحیی یثربی در فصل اول کتاب عرفان نظری، در تعریف عرفان آورده است: « تصوف و عرفان، یک مفهوم کلی و عام است که بر مصادیق گوناگونی اطلاق شده است. بنابراین در تعریف عرفان و همچنین در رد و قبول آن، نباید از خصوصیات مصادیق غفلت کرده و به سوی کار با این مفهوم کلی و عام قرار داد. تعاریف عرفا نیز از عرفان متنوع است. زیرا عرفا در تعریف عرفان و مسائل مربوط به آن همانند توحید، فنا، عشق و محبت، خرد، اخلاص و رضا، در مواردی موقعیت خاص مخاطب را در نظر گرفته اند.^۱ » و

دکتر زرین کوب، عرفان را جسورانه ترین کمال مطلوب و والاترین اشتیاق روحانی در حیات دینی، دانسته است.^۱

حافظ، در یکی از غزلیات خویش، در تعریف عرفان و شیوه ی وصول به آن؛ دست شستن از مس وجود و دور شدن از خواب و خور را ضرورت دانسته و یافتن کیمیای عشق و ناب شدن را نتیجه ی رعایت توصیه های عارفانه ی خواجه را دانسته است:

«دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
خواب خور از مذهب ی خویش دور کرد آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی»
خواجه به خدا، در رساله ی ذکر، در باب تصوف آورده است: «معاذ
مصری گوید که ابوحنیفه حداد و ابن البرقی پرسیدم، که تصوف چیست؟
گفت: اثر اوست به زمین، گاه آشکارا کند، گاه پنهان.^۲ و خواجه در ادامه
آورده است: «در هرکس پیروی پیدا است؛ در عالم، نور دین پیدا است و در
عارف، نور مولا پیدا است و در محب، فنای کن پیدا است و در صوفی، پیدا است
آن چه پیدا است. به این زبان نشان دادن از این عالم، راست، هر که از این باب
سخن گوید به حکایت یا به اسناد و روایت نه راست ولایت، آن گفتار بر وی
حجت است، که این علم را نه اسناد به کار است و نه استدلال، و گوینده ی این،
نه از آدمی است و نه از آدم زاد.^۳»

جنید، نیز در توضیح و تبیین تصوف آورده گفته است: «صفت صافی
کردن دل است از مراجعت خلقت، و مفارقت از اخلاق طبیعت، و فرو میرانیدن

۱- در قلمرو وجدان، ص ۳۳۳

۲- دیوان حافظ، صص ۲۹۵-۲۹۴

۳- رسائل خواجه عبدالله ... انصاری، ص ۴۰۲

۴- همان.

صفات بشریت و دور بودن از دواعی نفسانی و فرود آمدن بر صفات روحانی و بلند شدن به علوم حقیقی و به کار داشتن آن چه اولی تر است الی الأبد ، و خیرخواهی به همه ی امت ، و وفا به جای آوردن بر حقیقت ، و متابعت پیغمبر کردن ، در شریعت .^۱

یکی از تمثیل های زیبا در شرح عرفان و تصوف ، گفته ی ابوسعید میهنی است . « یک روز شیخ ما با جمع صوفیان به در آسیابی رسید . سراسب کشید و ساعتی توقف کرد ، پس گفت : می دانید که این آسیاب ، چه می گوید ؟ می گوید : تصوف این است که من در آنم، درشت می ستانم و نرم باز می دهم و گرد خویش طراوت می کنم و در خود سفر می کنم تا هرچه نباید از خود دور کنم . »^۲

همچنین سخن جامع و موزن ابوسعید ابوالخیر که تصوف را عبارت از آن دانسته است که : « آن چه در سر دارد ، بنشیند و آن چه در کف داری بدهی و آن چه بر تو آید نجهی .^۳ » و هجویری در کتاب ، کشف المحجوب در باب تصوف ، ضمن پرداختن به وجه تسمیه ی تصوف ، آن را به مفهوم اصلی ؛ انقطاع دل از اغیار و مفهوم فرعی ؛ خلو دست از دامن عذر ، معنا کرده است .^۴

عارفی زیادی از تصوف و عرفان ، صورت گرفته که همگی آن ها حکایت از تهذیب نفس ، صفای باطن و ظاهر صوفی دارد و اگر چه

۱- عرفان نظری ، ص ۲۶

۲- اسرار التوحید ، ص ۹۰

۳- شناخت عرفان و عارفان ایرانی ، ص ۷

۴- کشف المحجوب ، ص ۴۰

۵- مبانی عرفان و تصوف ، ص ۲۶

تعاریفی که در شرح و معرفی عرفان و تصوف نقل گردید، متعدد و متنوعند، اما این حقیقت مشهود و روشن است که آبشخور تمامی این مفاهیم، دل حقیقت بین عارف است که جهان بینی او را شکل می دهد.

بنابراین دانش صوفیان برخاسته از دل است، که کل روان شناسی صوفیه بر آن مبتنی است.^۱ و به همین دلیل است که بسیاری از عرفا و متصوفه مشهور چون عین القضات همدانی و حضرت مولانا، پیر طریقت خویش را در میان کتاب «انان و یا با سوادان نیافته اند، بلکه کسانی را برگزیده اند که جامی به زبان بی داشته اند، چون: «شیخ برکه» و «صلاح الدین زرکوب» که گفته شده است به سنی نمی توانستند به فارسی صحیح، صحبت کنند، و صوفی ناموری چون عزیزالدین سنبل، صراحتاً گفته است: «داننده ای را که ممکن است در طریقت به و اعدا کرد، نه در میان واعظان کتاب خوان و نه حتی در میان صوفیان خانقاه... خود بینی و خود پرستی موصوفند، می توان یافت.»^۲

در این تعاریف، اگرچه به روشنی، تفاوت چندانی بین «عرفان» و «تصوف» ذکر نشده است، اما به طور تلویحی عرفان به مفهوم، نگاه و نگرش عرفانی، و تصوف که همان عرفان عملی است، به معنای سیر ملوک و مجاهده ی عملی معنا شده است.

نتیجه آن که عرفان، در واقع، سیری پویاست که رعایت سببیت در آن الزامی است، و از نظر مسلمانان، تصوف، طریقه ای برای وصول به حق است.

۱- تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن، ص ۸۵

۲- کشف الحقایق، ص ۲۸